

تحلیل و ارزیابی ویژگی های شهرسازی در دوران پست مدرنیسم

محمد علی فیروزی

، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

ناهید سجادیان

، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، nsajadian@yahoo.com

هادی علیزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز std.hadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۰

چکیده

شهرسازی در بستر جریان فکری پست مدرنیسم، عکس العمل متقابلی است به آنچه که نزدیک به نیم قرن تحت لوای ایده روشنگری و عقل‌گرایی مدرنیسم و به شکل خاص آن منشور آتن، محیط و زندگی انسان شهری شده را تحت تأثیر قرار داده بود. در حقیقت اعتراض به شهر و انسان ماشینی، عملکردهای استاندارد شده، خالی از کیفیت و تنوع در فضاهای شهری دوران مدرنیسم و آشکار شدن ناکارایی این نظریات، از دهه ی هفتاد قرن بیستم هدایتگر جریان فکری کثرت‌گرایی در عرصه شهرسازی و برنامه ریزی شهری بوده است که تحت عنوان پست مدرنیسم شناسایی گردیده است. هرچند امروزه از جریان پست- پست مدرن نیز در جریان شهرسازی صحبت می شود ولی هنوز این ایده های پست مدرنیسم هست که امروزه تحت تأثیر تنوع طلبی، کثرت‌گرایی و فردگرایی خاصی جریان شهرسازی جهانی را در مقابل آنچه که رویکردهای خشک و انعطاف ناپذیر شهرسازی مدرنیسم نامیده می شود، هدایت می کند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی برآنست تا ابتدا با تشریح ویژگی های فکری دوره های مدرنیسم و پست مدرنیسم به ریشه یابی علل آغاز رویکرد پست مدرنیسم در شهرسازی پرداخته و سپس ویژگی های عمده ی این نوع جریان فکری را در شهرسازی شناسایی کرده و ارزیابی نماید.

واژگان کلیدی: شهرسازی، مدرنیسم، پست مدرنیسم، طراحی شهری، روشنگری

مقدمه

آغاز مدرنیسم در شهر و برنامه ریزی شهری را شاید در تعاریف پاتریک گدس از برنامه ریزی شهری و ارائه طرح های جامع برای شهرها می دانند که لزوم برخورد جامع با شهر را مطرح نمود. این بدان علت است که اصول مدرنیستی نیز با طرح های جامع متمرکز معرفی می گردد که به تعبیر یورگن هابرماس این رویکرد مدرنیستها به عنوان طرح های بسته بندی شده معرفی شده است (مارتینز، ۲۰۰۷: ۳۷). این پدیده که با عقلانیت و خرد گرایی پیوند خورده در زمینه ی هنر و شهرسازی با خواست "زیبایی شناختی کردن مکانهای زندگی" برای انسان مدرن آغاز شده بود که به گفته ی شارل بودلر شاعر فرانسوی تلاشی بود بر تسلط هنر همراه با عقلانیت مهندسی در قلمروهای زندگی (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳). با تأثیر پذیری از تفکرات دکارت، با این گفته که "من می اندیشم پس هستم"، ریشه ی عقلانیت شهرسازی مدرن از اوایل قرن بیستم با اقدامات سوریا ماتا در مادرید، و شارل فوریه در فرانسه آغاز و با طرح شهر صنعتی تونی گارنیه دنبال و اوج آن در کارهای لوکوربوزیه شهرساز فرانسوی، میزون دروهه و والتر گروپیوس بوده است (اعتضادی، ۱۳۸۶: ۱۵) به نحوی که کنگره معماران و شهرسازان مدرن را در سال ۱۹۲۸ بنیان نهادند. (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) به علت داشتن تفکرات مهندسی در شهرسازی، منطقه بندی و تفکیک و تمایز کارکردها در شهر، اتکا به فناوریهای نوین در طراحی، نوسازی تک بعدی در نظام نوسازی - طراحی شهری و نگرش بیولوژیکی به انسان شهرنشین و تقسیم بندی عملکردهای اولیه "سکونت، کار، رفت آمد و اوقات فراغت" که نشان از رویکردهای اقتدارمآبانه و عقلانی آنها داشت، داشتن نگرش تصرف طبیعت و انسانگرایی محض، بیکرانی زمان و مکان در نگرشها، (آلماندوز، ۲۰۰۰: ۴۲) (جمالی و حیدری، ۱۳۸۸: ۹۰) از دهه شصت قرن بیستم، رویکردهای بلند پروازانه ی مدرنیستها مورد تناقض، اعتراض و تردید قرار گرفت. انسان نوگرا که در دهه ی پنجاه قرن بیستم آهنگ تغییر و دگرگون کردن یک شبه دنیا را داشت، در آغاز دهه ی شصت در حقانیت آرمانهای خود به دیده ی تردید می نگریست؛ به گونه ای که در سالهای آغازین دهه ی هفتاد بیش از هر چیز به نقد کارکرد اندیشه های مدرنیستی پرداخت که این اقدامات، مقدمه ای بر آغاز پست مدرنیسم در شهرسازی گردید که آغاز آن در شهرسازی به گفته ی چارلز جنکنس در فروپاشی مجتمع مسکونی پورت اینگودر سنت لوئیس میسوری در سال ۱۹۷۲ می باشد. (ویلی، ۲۰۰۶: ۶) این عدم ناکارایی در نظریات که انسان و شهر را به صورت ماشینی برنامه ریزی

می کرد مقدمات شک و تردید در مبانی نظری آن و ورود به عرصه تنوع گرایی و پست مدرنیسم را در شهرسازی فراهم ساخت. با توجه به تفاسیر فوق، امروزه شهرسازی جهان متأثر از ایده ها و افکاری است که در بستر جریان فکری بنام پست مدرنیسم جریان دارد. دوره ای که بعد از دوره مدرنیسم بعنوان جریان معترض به سبکهای پیاده شده و افکار تأثیر گذار دوره نوگرایی ظهور یافت. در این دوره ی جدید نیز چشم اندازها و افکار خاصی برای شهر و شهرسازی تأثیرگذار می باشد که با توجه به اهمیت دادن آن به تنوع گرایی در تمامی زمینه ها از جمله تنوع فرهنگی و رویکردهای کیفیت محور و مشارکتی در شهرسازی آگاهی و بکار بست تجربیات مثبت این جریان فکری در کشور ما نیز ضروری به نظر می رسد.

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر به طور مشخص در جستوی اهداف ذیل می باشد

- چرایی بوجود آمدن شهرسازی در بستر پست مدرنیسم
- شناسایی رویکردها و ایده های موجود در شهرسازی جهان در دوره ی پست مدرنیسم

پیشینه ی تحقیق

بعلت رواج رویکردهای پست مدرنیسم در جریان شهرسازی معاصر و مهمتر از همه ریشه یابی نواقص عملکردی و کارایی دوره مدرنیسم در شهرسازی که علت اصلی تولد رویکرد پست مدرنیسم است پژوهش های متعددی در این زمینه به انجام رسیده است که گزیده ای از این پژوهش ها به قرار ذیل می باشد:

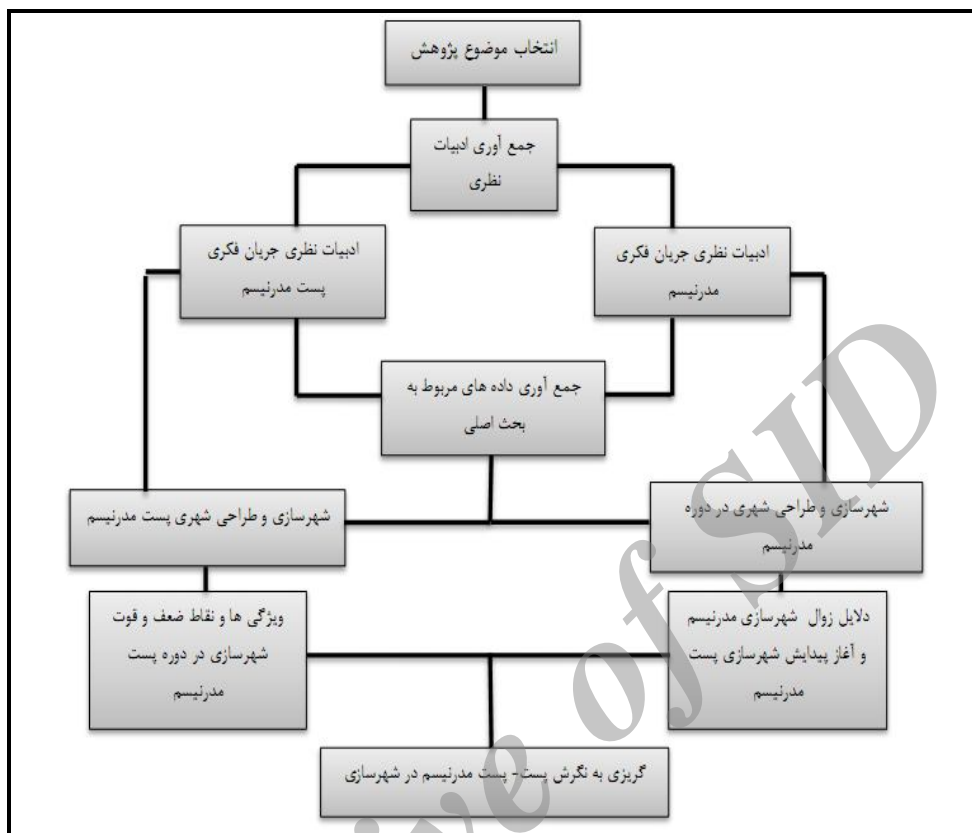
هابرماس (۱۳۷۰)، در پژوهشی تحت عنوان معماری مدرن و پست مدرن با ارائه ویژگی های هر دو دوره به آسیب شناسی ویژگی های معماری مدرنیسم و رویکردهای متقابل برابر آن تحت عنوان شهرسازی و معماری مدرنیسم پرداخته است. بحرینی (۱۳۷۸)، در کتابی تحت عنوان تجدد و فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، به طور مفصل در مورد ورود و تأثیرات هر دو دوره مدرنیسم و پست مدرنیسم در شهرسازی با ارائه ی کاملی از ویژگی ها و الگوهای فکری هر کدام از این جریانات فکری، چهره شهرسازی متأثر از این دوره ها را تشریح و بیان کرده است. شفیعی (۱۳۷۹)، در پژوهشی تحت عنوان

پست مدرنیسم در شهرسازی پس از تشریح ویژگی های شهرسازی پست مدرنیسم به مقایسه رویکردهای آن با شهرسازی مدرنیستی پرداخته است. زیاری و یوسفی (۱۳۸۲)، در پژوهشی تحت عنوان توسعه ی کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی شدن، بعد از تشریح ویژگی های این دوره ها به ورود مدرنیسم از دوره قاجاریه به کالبد تهران و مشخص کردن رگه های از تأثیر شهرسازی پست مدرنیسم از دو دهه گذشته تأثیر آن را هنوز ناچیز دانسته است. جمالی و حیدری (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان بحثی درباره شهرسازی پست مدرن بعد از ارائه ی فلسفه ی وجودی مدرنیسم و پست مدرنیسم، به ارائه رویکردهای کلی در مورد شهرسازی پست مدرنیسم پرداخته اند. پاکزاد (۱۳۸۸)، در مجموعه ای سه جلدی تحت عنوان سیر اندیشه ها در شهرسازی به طور مبسوط به ارائه تحولات شهرسازی از دوره آرمانگرایان قرن نوزدهم تا رویکردهای دانشمندان شهرسازی بعد از مدرنیسم تا آغاز هزاره سوم پرداخته است که تمامی زمینه های شهرسازی مدرنیستی و پست مدرنیسم در این مجموعه ها بخصوص جلد دوم و سوم آمده است. لارسن (۲۰۰۴)، در پژوهشی تحت عنوان شهر در نمای پست مدرنیسم، به ارائه نمای جامعی از فرهنگ، ساخت و ریخت شهری در دوران تسلط مدرنیسم در شهر پرداخته است (Larsen, 2004). د' اولیور (۲۰۰۵)، در پژوهشی تحت عنوان جغرافیای پست مدرن در شهر و شیوع چند فرهنگی، تأثیرات این دوره فکری را بر طراحی شهری و جغرافیای شهر بخصوص در شهر سن آنتونیوی آمریکا مورد کاوش و بررسی قرا داده است (De oliver, 2005). مارتینز (۲۰۰۷)، در پژوهشی تحت عنوان پست مدرنیسم در مقابل مدرنیسم و وضعیت شهری حاصل از آن، به تنزل کیفی شهرهای اروپای غربی در دوره مدرنیسم، و آشفتگی عملکردی در دوره پست مدرنیسم و شیوع تنوع سر سام آور در شهرهای جهانی شده اروپا در این دوره پرداخته است (Martines, 2007).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به عنوان یک مطالعه ی کاربردی به صورت توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از مطالعات کتابخانه ای معتبر در زمینه مدرنیسم و پست مدرنیسم، بعد از شناسایی رویکردها، خط مشی ها و افکار هدایت کننده این دو جریان فکری در قالب

ادبیات نظری موضوع، به ویژگی های شهرسازی مدرنیسم و سپس شهرسازی پست مدرنیسم و تأثیرات آن در متن شهرسازی امروزی در دنباله این جریان پرداخته شود.



شکل شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

ادبیات نظری

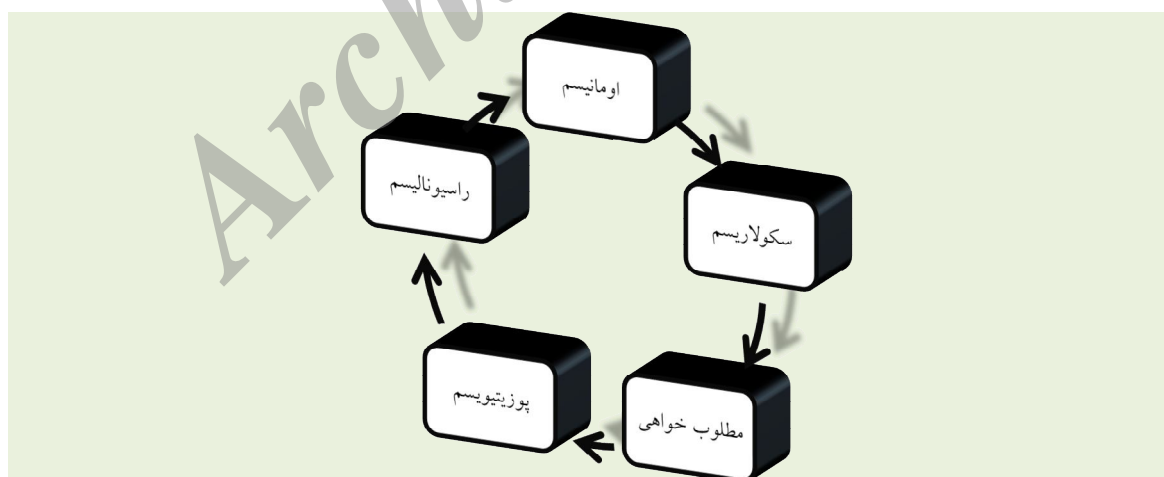
تعاریف و مفاهیم

بعلت اینکه دوره ی پست مدرنیسم جریانی ایست که در ارتباط و بدنبال دوره مدرنیسم مطرح شده است در اینجا به مدرنیسم و ویژگی های آن نیز به طور اجمالی پرداخته می شود.

مدرنیسم

مدرنیسم از ریشه ی لاتینی مدرنوس به معنی نو، جدید یا مجرد می باشد. این پدیده معلول شرایطی است که در جامعه ی اروپا رخ داده است. بطور کلی مدرنیسم یا مدرن بودن در الگوی فکری و فلسفی مهم و عمده ی بعد از عصر روشنگری در اروپا بوجود آمده است (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۵). به اعتقاد هابرماس نیز مدرنیسم واژه ای هست که برای تعبیر پروژه ای تحت عنوان روشنگری بکار رفته است. در این بین عده

ای شروع آنرا از انقلاب صنعتی انگلستان می دانند و عده ای دیگر آنرا همانطور که آمد از عصر روشنگری قرن ۱۸ دانسته و عده ای دیگر از دوره ی اصلاح دینی و دوره رنسانس نقطه ی شروع آنرا ذکر کرده اند (جمالی و حیدری، ۱۳۸۸: ص ۸۲). برخی دیگر از محققان پا را فراتر گذاشته و مبدأ آنرا در ریشه های مدرنیسم موجود در قرن ۱۴ و آثار سنت آگوستین شاعر و نویسنده معمار آن دوران جستجو می کنند. به تعبیر آنتونی گیدنز جامعه شناس معاصر انگلیسی، مدرنیته به آن شیوه از زندگی اجتماعی یا سازماندهی زندگی گفته می شود که در اروپا در حدود سده ی هفدهم پدید آمد که بعد از آن دارای کم و بیش پیامد های جهانی گردید و به موجب این پیامد ها بود که مدرنیته با یک دوران تاریخی خاص و در یک منطقه ی جغرافیایی خاص پیوند خورده است (احمدی، ۱۳۷۷: ص ۲۵). به اعتقاد دیوید هریسون هیچ نظریه ای تحت عنوان مدرنیسم وجود ندارد، بلکه این اصطلاح خلاصه ای از کلیه ی دیدگاههایی است که در دهه ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از سوی دانشمندان غیر مارکسیست در مورد جهان سوم بکار رفت. در این رابطه تکامل گرایی، اشاعه گرایی، ساختارگرایی کارکردی، نظریه ی نظامها و کنش متقابل گرایی همه و همه با هم ترکیب شدند تا به تشکیل زنجیره عقایدی که به نظریه ی نوسازی (مدرنیسم) شهرت یافت کمک کنند (هریسون، ۱۳۷۴: ص ۸). فرهنگ دوره ای که تحت تسلط مدرنیسم می باشد خود دارای ویژگی هایی است که تحت عنوان مبانی مدرنیسم شناخته می شود که این مبانی اصلی در شکل شماره (۲) آمده است.



شکل شماره ۲- اصول پنجگانه ی اصلی نهضت مدرنیسم

اومانیسم

در رهیافت اومانیسم یا انسانگرایی، انسان از مقام و منزلت بالایی برخوردار است و در واقع هدف کلیه ی امور تلقی می گردد. موضوعاتی که در راستای انسان مداری انسان مطرح می گردد شامل احترام شایسته به انسان و موقعیت برتر انسان نسبت به موجودات دیگر، تأمین حقوق و وضع تکالیف برای رهایی او از طبیعت، حق مالکیت و آزادی که همه در تعابیر فلاسفه ی مدنیستی آمده است (احمدی، ۱۳۷۷: ص ۸۳)

سکولاریسم

از ویژگی های دیگر مدرنیسم سکولاریسم است. بر اساس این رویکرد، از دوره ی رنسانس به بعد نقش دین در زندگی اجتماعی مردم رنگ می بازد. در این تفکر دنیایی دیدن و این جهانی کردن حیات بشری و کاهش قلمرو قدسی دین در زندگی اجتماعی از اصول اساسی بشمار می رود که در دوره پست مدرنیسم بدان عکس العمل نشان داده شده است. ضمن اینکه در اندیشه های مدنیستی نگرش به دین نگرش پراگماتیستی و بهره جویانه می باشد (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۶)

راسیونالیسم

راسیونالیسم یا عقلانیت از دیگر شاخصه های دوران مدرنیسم هست. در فلسفه ی مدرنیسم اهمیت انسان به عقل اوست. عقل در فرایند شناخت به انسان کمک می کند تا رابطه ضروری خود را با محیط خود برقرار کند. مفهوم حصول عقلانیت اساس تحلیل ماکس وبر از سرمایه داری مدرن نیز بوده است. از نظر او حصول عقلانیت در سیاست متضمن نزول هنجارهای سنتی مشروعیت و گسترش دیوانسالاری و بوروکراسی است.

مطلوبیت گرایی

فرض اصلی مطلوبیت گرایی در فلسفه ی مدرنیسم اینست که هر چیزی که خرسندی انسانها را فراهم کند در تکامل و رشد فردیت و در کاهش مشکلات انسانها موثر باشد مطلوب و پسندیده است (همان: ص ۶)

پوزیتیویسم

یکی دیگر از شاخصه های مدرنیسم استفاده از اصل پوزیتیویسم یا اثبات گرایی به عنوان روش شناسی می باشد. در واقع اثبات گرایی بکار بردن مدل های ریاضی و فیزیکی و تعمیم این قوانین در رفتار های

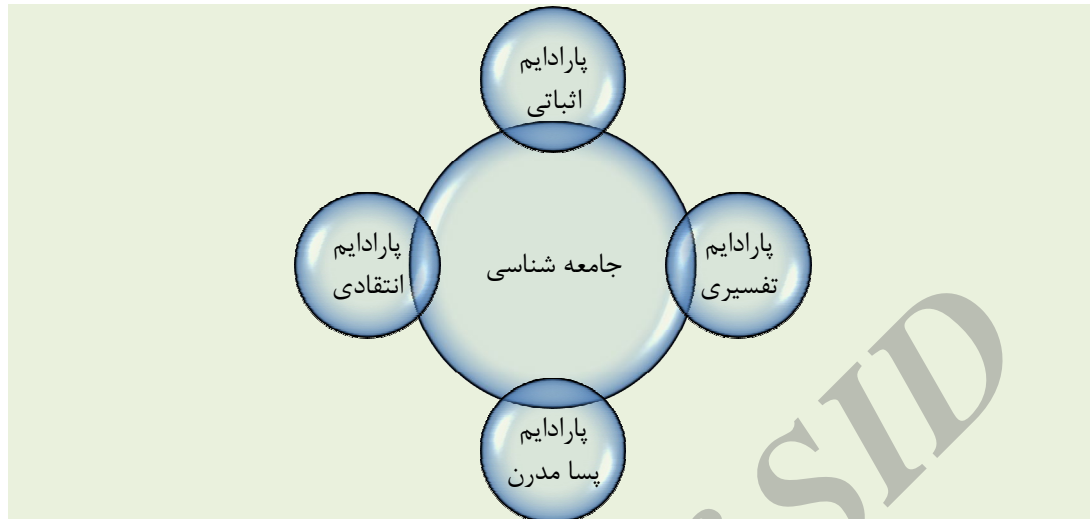
اجتماعی انسان است که آن را یگانه راه مطالعه ی جوامع انسانی می شمارد (کازمی، ۱۳۷۷: ص ۳۱) با این تفاسیر باید گفت که عصر مدرن زمانی چنین می نمود که برای همیشه در بستر تاریخ ماندگار خواهد بود حال به سرعت در حال تبدیل شدن به چیزی معلق در گذشته است حتی امروزه کسانی که خود را هنرمندان، معماران یا نظریه پردازان مدرن می انگارند نیز در این واقعیت هم عقیده اند و در مقابل عصر پست مدرن را می بینند، عصر انتخابهای فزاینده و بیشمار. عصری که هیچ جریان ارتدکسی را نمی توان بدون خود آگاهی و طنز پذیرفت زیرا تمام سنتها که در دوره مدرنیسم بی ارزش و کهنه بودند در این دوره واجد ارزش و اعتبارند (دیبر، ۱۹۸۸: ص ۲۶۵).

پست مدرنیسم

از لحاظ لغوی پسا، پست، بیشتر یک نوع تداوم جریان را تداعی می کند و در زبان انگلیسی بمعنی فوق، برتر، فراتر، بعد از و مابعد می باشد و بر همین اساس واژه ترکیبی پست مدرنیسم بیشتر تداعی گر این مفهوم است که جریانی است بدنبال مدرنیسم و دوره ای بعد از آن است (دیرلیک، ۲۰۰۲: ص ۷۶). مفهوم پسامدرنیسم را اولین بار نویسنده ی اسپانیایی فدریکودانیس در سال ۱۹۳۴ در اثر خود بنام گزیده ی شعر اسپانیولی بکار برد و از آن در تشریح به آنچه که واکنش به مدرنیسم بود بکار برد. سپس توسط آرنولد توین بی در کتاب خود تحت عنوان ((مطالعه ای در تاریخ)) در سال ۱۹۳۸ بکار گرفته شد که بعد از جنگ جهانی دوم منتشر گشت. برای توین بی این واژه ویژگی کلی دوره ی نوینی از تاریخ بوده است که از سال ۱۸۷۵ با پایان تسلط باختر، زوال فردگرایی، سرمایه داری و مسیحیت و به قدرت رسیدن فرهنگهای غیر باخترآغاز گردید. علاوه براین، این موضوع بر کثرت گرایی و پدیدار شدن فرهنگ جهانی نیز اشاره دارد (جنکس، ۱۳۷۴: ص ۱۰) به اعتقاد مارتین هایدیگر جامعه شناس معروف اتریشی مبدع اصلی پست مدرنیسم نیچه می باشد که ایده های خود را برابر عقل گرایی مدرنیستی کانت ارائه داده است (جمالی و حیدری، ۱۳۸۸: ص ۸۷-۸۴). پست مدرنیسم در واقع به مجموعه ی پیچیده ای از واکنش ها گفته می شود که در قبال فلسفه ی مدرنیسم و پیش فرض های آن مطرح گردیده است بدون آنکه در اصول عقاید اساسی در معتقدان به این جریان کمترین توافقی باشد (هاروی، ۱۹۹۳: ص ۶۳). گفته شده اساس فلسفه ی پست مدرن در واقع مبارزه با شالوده گرایی، ماهیت گرایی و رئالیسم است. لذا فلسفه ی پست مدرن با توجه به آنچه که گفته شد در بهترین وجه به مثابه ی مفهوم خوشه ای پیچیده ای تلقی می

گردد که شامل عناصری مانند: دیدگاهی ضد معرفت شناختی، ضد ماهیت گرایی، واقع گرایی، شالوده گرایی، مخالفت با برهان های استعلایی، نفی تصویر موجود از شناخت به معنای بازنمایی دقیق، نفی نظریات توصیف کلی، نفی واژگان نهایی یعنی نفی اصول و قواعد و مقولاتی که بی هیچ قید و شرطی برای تمامی اشخاص، مکانها و زمانها الزام آور و قطعی تلقی می شوند (نوذری، ۱۳۷۹: ص ۲۴). اولین ویژگی پست مدرنیسم شاید در تأثیرات همزمان تاریخ، فرهنگ، جامعه، طبقات و انواع در افراد جامعه باشد و تأثیراتی که این گوناگونی در محیط و افکار او دارد. این تنوع بدون یک اصل فکری واحد امروزه تمامی جنبه های زندگی را در بر گرفته است و به اعتقاد دیوید هاروی همانا پست مدرنیسم امروزه ضرورتی گریز ناپذیر است که تمامی مرزها و قطعیت ها را در نوردیده است (توت، ۲۰۰۲: ص ۳۴۱). تاکنون پست مدرنیسم خط سیر پرپیچ و خمی را فراتر از مسائل ادبی و معماری و شهرسازی و غیره پیموده است و هرچه زمان می گذرد با نظامی روبه رو می گردد که سایر علوم اجتماعی و انسانی را به خود جذب می کند. با این وجود تمامی این جذبها مکانی و محلی می باشد. پست مدرنیسم امروزه سوالات زیادی را درباره ی مکان، فضا و چشم انداز دستاوردهای زندگی اجتماعی پرورش می دهد و اساسی ترین انتقاد را برعلیه آنچه که روشنگری نامیده می شود مطرح می کند. این روشنگری در اروپا با ارائه ی یک چهارچوب اساسی برای توسعه ی علوم اجتماعی و انسانی نو شروع شد که زیر بنای همه ی مسائل آن استدلال و خرد گرایی بود (دیریک، ۱۹۹۷: ص ۲۱۲). در واقع وضعیت پست مدرنیسم نوعی گذر از مفاهیم بنیادی است که از قرن ۱۸ هادی جریانات اجتماعی و عقلی بوده است. از جمله دستاوردهای محسوس و قابل درک اندیشه ی پست مدرنیسم نفی این اندیشه ی مارکس و انگلس است که مدعی بودند که جنگ انسان با انسان روزی جای خود را به جنگ انسان با طبیعت خواهد داد (فرج پور، ۱۳۸۰: ص ۲۹). ژان فرانسوا لیوتار که خود مسئول نقد های نافذی در مورد ایده های تجدد گرایانه، عام گرایی ترقی گرایانه، عقلانیت و ایده ی عام روشنگری مدرنیسم است اعتقاد دارد پست مدرنیسم از نظر زمانی بعد از مدرنیسم نیست، بلکه تجدد یا مدرنیسم همواره لحظات پست مدرنیسم را در خود داشته است (لیوتار، ۱۳۷۸: ص ۲۱۸). پسامدرن از ویژگی های نیمه ی دوم قرن بیستم است که به طور مشخص از دهه ی ۱۹۷۰ تمامی عرصه ها و علوم را تحت تأثیر قرار می دهد. این جریان با مفهوم فراصنعتی بل و تورن یکی نیست و یا همچنین با مفهوم موج سوم تافلر نیز یکی نمی باشد و گفته شده زبان آن مستلزم استفاده از طنز، کنایه، استهزاء، ایجاز و اشارات و ایهام، عدم قطعیت، تقلید و تردید هست هرچند متناقض

و بر علیه هم باشند (محمدپور، ۱۳۷۷: ص ۱۱۰) از این جریان حتی بعنوان پارادایم چهارم در بحثهای جامعه شناسی نیز استفاده شده است.



شکل شماره ۳- پست مدرنیسم بعنوان یکی از چهار پارادایم مهم جامعه شناسی (محمدپور، ۱۳۷۷: ص ۵۳)

درباره مشخصات و ویژگی های پست مدرنیسم هم نظریه ی واحدی وجود ندارد. مارش از جمله ویژگی های پست مدرنیسم را در مقاومت در برابر اثبات گرایی، درک آشفتگی ها، پیچیدگی ها و چندگانگی ها، مقاومت در برابر استدلالهای یقینی، پذیرش اختلاف و تنوع در ارتباطات و افکار و ارتقاء انعطاف در ایده ها دانسته است (مارش، ۲۰۰۸: ص ۷). به اعتقاد ژان فرانسوا لیوتار پسا مدرن عصر تشکیک یا مردن تعاریف منطقی است و این تشکیک به طور حتم از پیشرفت علوم حاصل گردیده است. بنابراین پسا مدرنیسم را می توان نوعی حقیقت مدرنیسم دانست زیرا موجب تحقق یافتن امکانات تکامل نیافته ی ذهنیت انتقادی مدرنیته می شود. (جهانبگلو، ۱۳۷۴: ص ۶۰-۵۹) بخشی از ویژگی های دوره پست مدرنیسم را میتوان در اندیشه های لیوتار، دریدا و میشل فوکو ملاحظه کرد که همگی در نقض اصول اساسی مدرنیسم بیان شده است (انصاری، ۱۳۸۹: ص ۱۰) گزیده ای از تمایزات مابین عصر سنت، مدرنیسم و پست مدرنیسم در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره ۱- ویژگی های اعتقادی سه دوره ی سنت، مدرنیسم و پست مدرنیسم

سنت گرایی	مدرنیسم	پست مدرنیسم
بشر جزوی از طبیعت هست و مقهور آن	بشر عزم غلبه بر طبیعت و بهره برداری بی حد و حصر از آن را دارد	بشر مایل است از طبیعت بهره برداری اصولی و پایدار به عمل آورد
انسان در پی شناخت طبیعت و هستی از طریق بحث ماوراءالطبیعه است	انسان در پی تصرف در طبیعت و هستی است	نامید از جستجوی حقیقت، جهان را باید همچون متنی که شاید معنایی داشته باشد نه حقیقت
رواج علوم نظری	گسترش علوم عملی و فناوری	رواج و گسترش علوم عملی و فناوری به همراه علوم نظری
بینش و تفکر بشر اسطوره ای است	جهانبینی بشر عقلانی است و آنچه غیر عقلی(پوزیتیویسم منطقی) است مردود می باشد	عقلانیت توأم با احساس و تفکر اسطوره ای و آنکه همه چیز را نمی توان با ابزار پوزیتیویسم سنجدید
محدودیت زمان و مکان	بیگرایی زمان و مکان	بیگرایی زمان و مکان همزمان با توجه به گذشته
برنامه ریزی محدود	برنامه ریزی سنجدیده و متمرکز	برنامه ریزی غیر متمرکز و مشارکتی
معتقد به ایدئولوژی و یقین غفلت آلود	نقد عقل و ایدئولوژی محافظه کارو اعتقاد به تعیین کننده بودن آن	طرفداری نسبیست، شکاکیت و تاریخی گرایی
هنر هدفمند بر مبنای اعتقادات	هنر دارای سبک و در خدمت اقتصاد	از میان رفتن مرز میان هنر و امور روزمره ی زندگی نا آشنگی در سبک و رواج هزل و افول خلاقیت هنری
عدم تمایز و یکرنگی	یکپارچگی الزام آور و تمایز عملکردی	عدم تمایز عملکردی و تنوع عملکردی
ارگانیک طبیعی	ساختار گرایی	ضدیت با ساختار گرایی
عقاید خودجوش	سازگاری و عقیده مندی(ارندکسی) شمول مندی	تضاد(بارادکسی) تقلید و ابهام و تضاد و ضدیت با قطعیت یقینی
فرهنگ واحد قومی	اعتقاد به یک فرهنگ مسلط و برتر	اعتقاد به خرده فرهنگها و احترام و توجه بدانها

(پاپلی یزدی، ۱۳۸۶:ص ۴۹-۴۸) (برتون و دیگران، ۲۰۰۰: ص ۲۶۸) (آلمدینگر، ۲۰۰۲: ص ۸۷)

یافته های تحقیق

برای شناخت ویژگی های شهرسازی پست مدرنیسم در ابتدا باید به علت و چرایی این رخداد پرداخت که آن نیز در شناخت ویژگی های شهرسازی مدرنیستی و زمینه های افول آن که مقدمه ای برای پدیداری شهرسازی در بستر جریان پست مدرنیسم گردید می باشد. هنگامیکه صنعتی شدن سرمایه داری شهرها را در قرن ۱۹ تغییر داد مردم صحبت از ((مدرنیسم)) می کردند که مطرح شدن فناوری، دموکراسی، معماری، مصرف گرایی و زندگی شهری را در پی داشت. یک جنبه ی این مسئله تغییر اجتماعی کسانی بود که از مناطق روستایی به شهر آمده بودند. منظور از این تغییر اجتماعی آمیختگی در فرهنگ شهرهای برگزیده ی آن زمان چون پاریس، لندن و مسکو بود. این برگزیدگی یا ترتیب سلسله مراتب فرهنگ در شهرها از شاخص ترین ایده های نظریه های مدرنیستی بود که مردم با زندگی در پایتختهای فرهنگی منتخب چون پاریس می توانند در فرایند ((زندگی مدرن)) مشارکت داشته باشند(گوتدینر و لسلی باد، ۱۳۹۰:ص ۱۹۴). مدرنیسم این مکتب قدرتمند و فراگیر جهانی، که توجیه های اقتصادی(سرمایه داری

کینز)، صنعتی (فوردیسم)، مذهبی (پروتستانیسیم) و علمی - منطقی (پوزیتیویسم و قیاس تجربی) را به همراه داشت در قرن بیستم بوجود آمده و کلیه شئون زندگی را تحت تأثیر قرار داد. (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۶:ص ۱۱۵) به اعتقاد کاترین بوئر نقطه آغاز شهرسازی مدرنیسم در اروپا همزمان با جنبش وسیع خانه سازی در اروپا بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸)، که عمدتاً در کشورهای آلمان، هلند و اتریش به انجام رسید، بود که بسیاری از ایده های آرمانگرایان قرن نوزده چون شارل فوریه در آنجا تحقق یافت و شهرسازی مدرن به عنوان ثمره ی یک دید وسیع تر نسبت به مسائل مربوط به ساختن شهرها پا به عرصه ی وجود گذاشت (اوستروفسکی، ۱۳۸۷:ص ۱۵) شهرسازی مدرنیسم که در ابتدا با مطرح کردن طراحی و ساخت مسکن مناسب بوجود آمد (همان: ۱۵) طرح های اولیه ی آن آرمانی و آینده گرایانه بود. این طرح ها سنتزی از تفکرات سوسیالیستی، روش تولید صنعتی در ساخت و ساز و جستجوی زبان بین المللی در فرم پردازی بود که خود را در ساخت مجتمع های مسکونی متبلور نمود (گونتر و هیلر، ۲۰۰۷:ص ۶۱). پس از جنگ جهانی مجله ی بین المللی روح نوین که با هدف تشریح مسائل مختلف زندگی اجتماعی در فرانسه منتشر شد مسائل شهرسازی زمان را نیز مورد توجه قرار داد و دیدگاه هایی در زمینه ی اخلاقیات، زیبایی شناسی، تکنیک و اجتماع را گسترش داد. این دیدگاهها با طرح ((شهر معاصر سه میلیونی)) معمار سویسی تبار فرانسه بنام لوکوربوزیه تحقق یافت. (پاکزاد، ۱۳۸۶:ص ۲۸۱). این طرح که پژوهشی در باب محله ی مرکزی یک شهر بزرگ (پاریس)، با اداره ها، بناهای عمومی و بلوک های آپارتمانی بود (اوستروفسکی، ۱۳۸۷:ص ۷۳) مسائلی چون خانه - سلول مسکونی، تقسیم بندی منطقی زمین که در برگیرنده ی وضعیت و نظام آینده ی زمین باشد و مسائل شهرسازی جدید تحت عنوان خانه، کار، آمد و شد و استراحت را مطرح کرد. این مسائل بعداً در اولین کنگره بین المللی معماران مدرن که با هدف یافتن یک زبان بین المللی در شهرسازی و معماری در سال ۱۹۲۸ در شهر شاتودولاسارازسوئیس برگزار و بنیانگذاری شد تحت عنوان اصول اصلی شهرسازی مدرنیسم که خودشان نیز با عنوان دلایل کارکردی شهرسازی از آن یاد می کردند مطرح و پایه گذاری گردید. (همان:ص ۱۵۹) بهترین و مهمترین جریانات فکری و عملکردی مدرنیسم ها در باب شهرسازی در طی ده کنگره ای بود که از سال ۱۹۲۸ آغاز و تا سال ۱۹۵۶ ادامه یافت. چکیده و در واقع عصاره ی مهمترین این تلاشها برای جهانی کردن دیدگاههای مدرنیست ها در کنگره چهارم در سال ۱۹۳۳ در آتن بود که این ایده ها در لوای مجموعه ای تحت عنوان منشور آتن انعکاس یافته است (پاکزاد، ۱۳۸۶:ص ۳۶۵-۲۸۵)، بطوریکه لوکوربوزیه آنرا یک سند و نظریه

واقعاً انقلابی نامیده که برای آینده طراحی شهرها بسیار موثر است (اوستروفسکی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۲). برای نشان دادن اهمیت این منشور، موارد و اصول آمده در آن و برای پیاده سازی اصول شهر کارکردی، شهر ورشو پایتخت لهستان در سال (۱۹۳۴) یعنی نزدیک یک سال بعد از اجلاس آتن مورد طراحی و آزمایش ایده های مدرنیستها قرار گرفت (همان: ص ۱۶۶). در شهرسازی مدرنیستی آنچه آنچنان که در اصول فکری آنها مشخص گردیده است، انسان و اقتصاد محور همه چیز تلقی می گردد، مراکز تجاری و اداری عظیم، بانکها و غیره مرکز شهر را تشکیل می دهند و سایر کاربری ها حول محور آنها بنا گردیده اند. در واقع انسان محوری با ابزار تکنیک، نگرش مصنوعی به شهر و داشته های که همه می تواند مورد طراحی معمار باشد شهرسازی مدرنیستی را در شهرها نشان می دهد (سایمون، ۲۰۰۱: ص ۴۷).

جدول شماره ۲- کنگره های دهگانه شهرسازی مدرنیسم

کنگره	نتایج
لاساز سوئیس (۱۹۲۸)	تدوین اهداف و قوانین مجمع و تصویب اصول شهرسازی کارکردی تحت عنوان (مسکن، کار، آمد و شد و اوقات فراغت) که توسط لوکوربوزیه تنظیم و ارائه گردیده بود
فرانکفورت آلمان (۱۹۲۹)	موضوع اصلی در باره (تأمین مسکن حداقل) بود و ارائه نقشه های هم مقیاس یکسان که برای خانه های کوچکی طراحی می شد که در سطح همکف آنها طراحی فضای مسکونی ممنوع بود و بجای آن فضای بهداشتی و عملکردی رضایت بخش طراحی می شد
بروکسل بلژیک (۱۹۳۰)	موضوع اصلی این کنگره (روشهای منطقی در استقرار بناها) بود. گزارش نهایی این کنگره توسط لوکوربوزیه و والتر گروپوس تهیه شده بود که در مورد معایب ساختمانها بود و اینکه ساختمانهای مورد طراحی را به سه دسته تک واحدی، آپارتمان و برج تقسیم کردند
آتن یونان (۱۹۳۳)	موضوع این کنگره (شهر کارکردی) و همچنین (حفاظت از میراث معماری) بود. در این کنگره برنامه ای برای طرح منطقی شهرها صورت بندی شد که بر اساس آن شهرها قادر خواهند بود تا چهار عملکرد حیاتی خود را تحت عنوان (مسکن، کار، تفریح و آمد و شد) به نحو احسن در بطن خود داشته باشند. همچنین در مورد وضع موجود شهرها و گسترش بی رویه و مغشوش آنها نیز قوانینی ارائه گردید. در این کنگره نقشه ۳۳ شهر از جمله شهرهای منتخب همچون لندن، پاریس، لس آنجلس، آتن و رم رسم شده بودند که در آن خانه ها، خیابانها، مراکز کار و مراکز اوقات فراغت به آسانی قابل تشخیص بوده و مورد تأکید قرار گرفته بودند
پاریس فرانسه (۱۹۳۷)	موضوع اصلی این کنگره (مسکن و اوقات فراغت) بود. در این نشست هر چند در مورد برنامه ریزی روستایی نیز اصولی تشریح شد، بر امر جدایی ناپذیری مسکن و اوقات فراغت تأکید بسیار شد. و آنچه نسبت به کنگره های پیشین جدید می نمود پیگیری تمرکز تمامی عملکردهای زنده بر مبنای واحدهای معین (واحدهای مسکونی، محلات و واحدهای همسایگی) بود. در این کنگره همچنین ملاحظات و قطعنامه های کنگره ی پیشین یعنی کنگره آتن تحت عنوان (منشور شهرسازی) و (منشور آتن) نامیده شد
بریج واتر انگلستان (۱۹۴۷)	این نشست که بعثت شروع جنگ جهانی دوم با ۸ سال تأخیر انجام شد، موضوع اصلی آن (زیبایی و زیبایی شناسی در معماری و شهرسازی) بود. مسئله دیگر ترمیم خرابی های ناشی از جنگ جهانی دوم در شهرها بود. در آخر این کنگره بیانیه ای با این مضمون که هدف شهرسازی مدرنیستی (کار برای آفرینش محیط فیزیکی است که نیازهای روحی بشر و نیازهای مادی او را برآورده سازد) ارائه شد
برگامو ایتالیا (۱۹۴۹)	موضوع اصلی این کنگره نیز بحث (زیبایی در معماری و شهرسازی) بود و کشمکش بین نیروی "حس تخیل" و "حس عمومی" در بحث طراحی بود. در این کنگره لوکوربوزیه و گروه شهرسازی اکسوال فرانسه جدولی را در مورد بحث (سودمندی در شهرسازی، چگونگی کار و بهترین تقسیم بندی از کاربری های شهری) نیز ارائه کردند
هادسان انگلستان (۱۹۵۱)	موضوع اصلی این کنگره (توجه به مرکز شهر) بود و اینکه تقسیمات چهارگانه عملکردی آتن مشکل آفرین شده و مرکز شهر را مورد توجه قرار نمی دهد. در این کنگره به پیشنهاد گروه شهرسازی مارس انگلستان عملکردی بنام مرکز شهر نیز به چهار عملکرد پیشین مسکن، کار، اوقات فراغت و آمد و شد اضافه شد

موضوع اصلی این کنگره توجه به (محیط زندگی بیرون از چهار دیواری خانه) بود. در این کنگره همچنین مشکلات مربوط به ساختهای تندیس گونه ی ساختمانها و ساختهای مکعبی و حجم گونه ی مدرنیستها که ساختمانهای مجاور و کل پهنه شهر را در بحثهای نور گیری و فضای سبز و غیر نادیده می گرفت عیان شده و مورد بحث قرار گرفت.	پرووانس فرانسه (۱۹۵۳)
این کنگره که آخرین کنگره شهرسازی مدرنیستی بود توسط گروه ۱۰ برگزار گردید و وظیفه ی آنان تنظیم منشوری بود که در آن، سرفصل های مربوط به محیط زندگی انسان فهرست شده باشد. منشوری که در آن به رابطه فرد با خانواده، نیاز او به آرامش و خلوت و سهیم شدن در زندگی اجتماعی باید پرداخته می شد. بحث های این کنگره آشکار ساخت که استاندارد گرای و قواعد کمی نمی تواند ضامن محیط های سرزنده باشد	دوبروینک یوکسلاوی (۱۹۵۶)

منبع (پاکزاد، ۱۳۸۶: ص ۳۶۴-۳۶۱) (اوستروفسکی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۱-۱۵۹)

به اعتقاد یورگن هابرماس، انقلاب صنعتی و مدرنیزاسیون اجتماعی پرشتاب متعاقب آن بود که وضعیت جدیدی را در معماری و شهرسازی قرن نوزده و متعاقب آن در نیمه ی اول قرن بیستم حاکم کرد. وضعیتی که سه چالش عمده را مطرح نمود که همگی رنگ بوی مدرنیسم را در شهرسازی و برنامه ریزی شهری داشت، آن سه چالش، ضرورت خلق کیفیتی جدید در زمینه ی طراحی و معماری، تولید و بکارگیری مصالح و فنون ساختمانی جدید و تبعیت معماری و طراحی شهری از ضرورت های جدید کارکردی و بخصوص اقتصادی بود (هابرماس، ۱۳۷۰: ص ۷۶) هر چند نیاز به انبوه سازی، ارزان سازی و تسریع در بازسازی های بعد از جنگ جهانی اول و دوم اروپا و همچنین توسعه های شهری ناشی از افزایش جمعیت، شهرسازی مدرنیستی را در اوج قدرت و مبلّغ طرح ها و قواعد شهرسازی قرار داد ولی با گذر زمان، آنچه که از شهرسازی مدرنیستی بر آمد، مقدماتی را برای اعتراضات بعدی که خود را از کنگره دهم آنان نشان داده بود فراهم کرد. (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۵) بی توجهی به موقعیت، مکان، سنت و فرهنگ خصیصه ی عمده ی این نوع شهرسازی بود. به اعتقاد آنها مسکن می باید همچون ماشین برای انسان عمل کند و شهر را مانند یک کتاب باید خواند. آنها الگوی های "شهر- پارک"، "شهر-شیء"، "شهر عمودی" و "تولید انبوه" را در شهرها ابراز می داشتند بدون اینکه از مشتریان خود یعنی ساکنان بپرسند کیفیت طرحها باید چگونه باشد. (زیاری، ۱۳۷۸: ص ۲۸). در واقع بارز ترین چهره شهرسازی مدرنیستها آسمان خراش ها هستند. این مطلب موید آنست که مدرنیستها فقط به ماشین و زندگی ماشینی قرن بیستم یعنی مکانیزاسیون و اتوماسیون توجه داشته و نیازهای واقعی انسانی را در نظر نگرفته اند (بحرینی، ۱۳۷۸: ص ۲۷ و ۵۶). مدرنیست ها بشدت تحت تأثیر وسایل و ابزار جدید و حمل و نقل قرار گرفته و شهر را شبکه ای از خیابانهای موازی و عمود بر هم می دانستند و طبق ایده استاندارد گرای خود در پی اشغال حداقل فضا بدون توجه به نیازهای واقعی انسان شهری شده بودند (یاراحمدی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۵). به اعتقاد لئون کریر پهنه بندی کارکردی مدرنیستها از شهر باعث چهار خصیصه منفی در شهر گردید که

عبارتند از: پرداختن فقط به یک نوع کار در یک جای مشخص که تنوع و خواست خود ساکنین در آن لحاظ نمی گردد، جابجایی سریع کل جامعه در یک روز و در ساعت معین عین دستگاههای ماشینی برنامه نویسی شده، مصرف حداکثر انرژی و وقت در ساخت و پرداخت و زندگی در شهر و همچنین تجزیه ی جوامع و تنزل آن به عدد و رقم (پاکزاد، ۱۳۸۸: ص ۷۰). اعتراضات به این سبک در طراحی و برنامه ریزی شهرها امروزه تحت عنوان پست مدرنیسم خود را جلوه داده است. این معماران و شهرسازان که تحت عنوان ساختار شکنان مطرح شدند آغاز کار خود را طبق اعلان چارلز جنکنس از سال ۱۹۷۲ همزمان با فروپاشی مجتمع مسکونی پوریت اینگو در ایالت سن میسوری امریکا به بعثت ناکارآمدی که به سبک مدرنیسم ساخته شده بود می دانند (همان: ص ۸۳) بعضی ها نیز شورش علیه ساختار مدرنیستی در شهرها را اولین با توسط گروه شهرسازی ۱۰، که همزمان با کنگره دهم مدرنیستها به رهبری آلدو فن هایک معمار و شهرساز هلندی بوجود آمده بود می دانند (جمالی و حیدری، ۱۳۸۸: ص ۹۹). دلمشغولی اصلی پست مدرن ها این بود که آنها تأکید مدرنیستی بر خرد، نظم و هندسه را رد کرده و برای رسیدن به تنوع و تفاوت تلاش می کنند. شهرسازان پست مدرنیسم به اختلاط کاربری های زمین برای سرزنده کردن مکانهای شهری، آنچه که راب کریر اشاره دارد علاقه نشان می دهند. در واقع آنها بازگشت به خیابانهای شهر آنچنان که جین جیکوبز اعلان می کند، میدین شهری و ساختمانهای کم ارتفاع را در شهرها تبلیغ می کنند (مدنی پور، ۱۳۸۱: ص ۲۸۹). پست مدرنیسم در واقع اصلاحی است بر ریاضتهای سخت دوران مدرنیسم و ساخت و ساز های هنری زیبا و یکدست تولید شده در این دوران و آنها می توانند با ریشه یابی و هویت یابی تأثیرات مهمی را در بازگشت صحیح به سنتهای محلی داشته باشند (شورت، ۱۹۹۸: ص ۴۴). البته به گفته جنکنس پست مدرنیسم بلافاصله بعد از مدرنیسم در شهرسازی اتفاق نمی افتد. بلکه در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ نوگرایی متأخر در شهرسازی در جریان بوده است. او جزئیات این سه دوره مهم در شهرسازی را نیز بیان کرده است که در جدول شماره (۳) به نمایش در آمده است.

جدول شماره ۳- جزئیات شهرسازی و طراحی مدرنیسم، مدرنیسم متأخر و پست مدرنیسم

شهرسازی مدرنیسم	شهرسازی مدرنیسم متأخر	شهرسازی پست مدرنیسم
سبک جهانی یا بی سبکی	سبک ناخود آگاه	سبک دوگانه
کمال طلب و آرمانگرایانه	واقع بین	مردم پسند و هوادار اندیشه جمع
فرم جبری، فرم برآمده از کارکرد	هر فرمی که از آن بر آید	معماری نشانه ای
معماری به عنوان نجات دهنده	معماری صاحب حرفه و فراهم آورنده	معماری در جایگاه نماینده ی کارفرما
ضد تزیینات و آرایه بندی در طراحی	ساختمان و سازه مانند تزیینات	هوادار آرایه های آلی (طبیعی) و کاربردی
ضد نماد و استعاره	ضد نماد و استعاره	طرفدار معماری نمادین
ضد یادمانهای تاریخی	ضد یادمانهای تاریخی	طرفدار یادمانهای تاریخی و برداشت از آنها
جدایی بخشهای گوناگون ساختمان بر حسب کارکرد آنها	تمامی کارگردها در یک سر پناه	آمیختگی کارگردها
حجم و نه توده	حجم هایی با پوشش بسته، انکار توده	فضای مورب و توسعه بخشهای موجود
بلند مرتبه سازی	ساختمانهای صاف و ترکیب خطی از آنها	ساختمان در راستای خیابان
مخالف نما سازی	نماسازی ناخاسته	طرفدار نما سازی

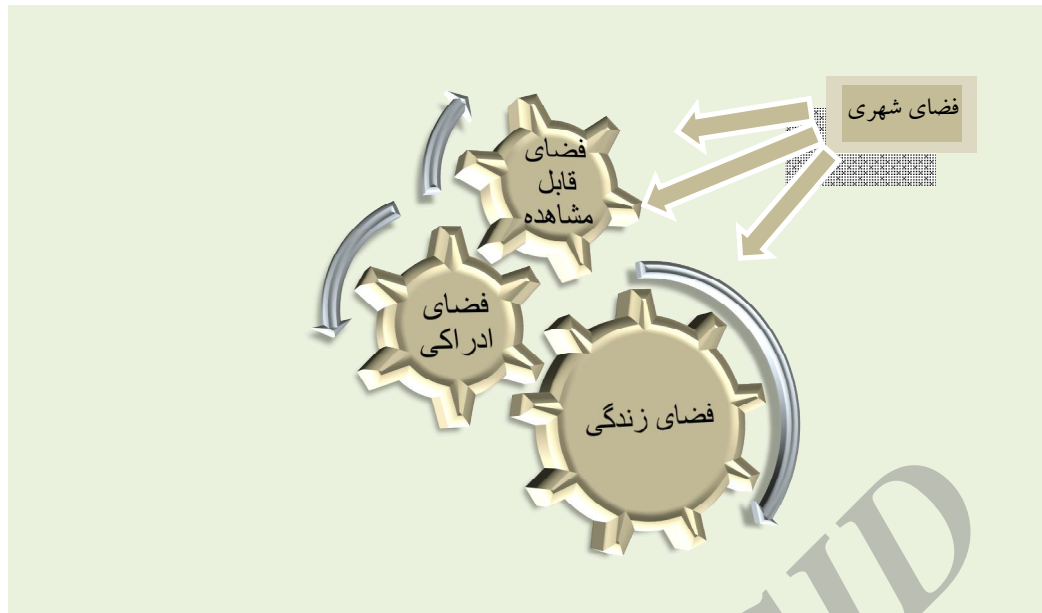
(جابری مقدم، ۱۳۸۴: ص ۱۸۹)

علاوه بر اینها باید اشاره کرد که پست مدرنیستها بر خلاف مدرنیست ها در افزودن مسائل فرهنگی و زمینه ای در طرح هایشان اسرار می ورزند. بطور کلی آنها با آموزه های اصلی مدرنیسم در شهرسازی یعنی مهندسی اجتماعی، تعمیم، عقلانیت فراگیر، تمرکز گرایی و طرح های یکدست مخالفت کرده و به جای آن، منطقه گرایی انتقادی، اصالت بخشی، تکثر، تعدد، برنامه ریزی موردی و موضوعی، طراحی بومی، محیط گرایی و مشارکت مردمی را تبلیغ و تجویز می کنند (شفیعی، ۱۳۷۹: ص ۷۲). جایگاه منازعه پست مدرنیسم را به طور اخص باید در ارتباط با مسائل مربوط به متن یا رفتار اجتماعی، شکل سیاسی، کاربست زیبایی شناسی و مشروعیت فلسفی در نظر گرفت که یکی از حوزه های این گفتمانها شهرسازی است. نوع تنوع گرایی در طراحی و اندیشه و جدال در مورد فضاهای شهری غفلت شده مدرنیسم از محورهای اصلی گفتمان در شهرسازی پست مدرن است (نوذری، ۱۳۷۹: ص ۳۹۹). شاید اگر نگاهی به انواع نگرش های موجود در طراحی شهری داشته باشیم متوجه تنوع ایده در شهرسازی پست مدرنیسم در مقابل ایده کارکردگرا و اقتصاد محور مدرنیستی برای طراحی خواهیم شد. هر سه نوع دیگر انواع طراحی یعنی طراحی هنرگرا، تجربه گرا و محلی گرا همگی متعلق به دوران پست مدرنیسم و هر کدام بیانگر نوعی مسئله در بستر طراحی شهری است که در دوره مدرنیسم مورد غفلت واقع گردیده است.



شکل شماره ۴- انواع نگرش های موجود در طراحی شهری (مهدوی، ۱۳۷۶: ص ۷)

طرفداران پست مدرنیسم معتقدند جامعه باید به سطح محیط انسانی تر باز گردد و نیز عناصر سنتی طرح منازل، نظیر ایوانها و پیاده روها دوباره در شهرسازی مطرح شده و به ساکنان اجازه اجتماعی زیستن را ببخشند (گوتدینر و لسلی باد، ۱۳۹۰: ص ۱۹۷). نکات و دغدغه های اساسی سبک و جریان فکری پست مدرنیسم در واقع همگی در اعتراض به رویکردهای مدرنیسم و ملایم سازی ساخت شهرها با رویکرد انسانگرایانه بوده است (آرتسن و دیگران، ۲۰۰۴: ص ۴) ادوارد سوچاچی در این زمینه فضای پست مدرنیستی در شهرها را بعد از دوره مدرنیسم مورد کاوش قرار داده و آنرا مطرح می کند او فضای شهری را در پرتو رویکرد پست مدرنیسم از حالت بی فضایی شهری مدرنیسم به سه قسمت فضای مشاهده شده، فضای قابل تصور و فضای زندگی تقسیم بندی کرده که در ارتباط تنگاتنگ و جدایی ناپذیر باهم هستند. (سوچا، ۲۰۰۱: ص ۱۴).



شکل شماره ۵- فضای شهری پست مدرنیستی از دیدگاه ادوارد سوچا

امروزه با توجه به جریان پست مدرنیسم مسائل و رویکرد های عمده ای در طراحی و برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است. که گزیده ای از این رویکردها که عمدتاً نگرشهایی است در برابر آنچه که در دوره مدرنیسم وجود نداشته است در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول شماره ۴- رویکردهای موجود در شهرسازی پست مدرن

<p>به رسمیت شناختن شهرهای بزرگ و رویگردانی از شهر ستیزی آرمانگرایانه همترازی احساسات با خرد و توجه به روحیات و روان انسان در طراحی تأکید بر تفاوتها و تنوع در برابر ایده ی جهانشمولی مدرنیسم رویگردانی از دوگانه پنداری (خوب-بد) و نسبی گرایی در رویارویی با حقیقت مطلق هشدار به حفظ و بهبود کیفیت در رویارویی با کمیت گرایی مهندسان توجه به محتوا در طراحی، همزمان با کارکرد اضافه شدن هویت و حس مکان به عملکردهای شهرسازی مدرنیستی بهره گیری از مشارکت مردم در طراحی و برنامه ریزی شهری اولویت به نوسازی و بهسازی بافتهای موجود و احتراز از گسترش در حومه ها و توسعه جدید اهمیت ویژه به تاریخ و فرهنگ و توجه به خرده فرهنگها هماهنگی شهر با نظام های طبیعی و تنوع در گونه های مسکن شهری اجتناب از یکسان سازی، استاندارد گرایی و همسان سازی در طراحی شهری پاسخ به تناسب اکولوژیکی، و طراحی مبتنی بر کاهش مصرف انرژی و پایداری زیست محیطی کوچک شدن مقیاس طراحی شهری با هدف انسانی شدن و خودمانی شدن فضاها توجه به کیفیت هایی چون خوانایی، سرزندگی، امنیت و تعلق خاطر در طراحی فضاهای شهری</p>	<p>شهرسازی پست مدرن</p>
<p>(پاکزاده، ۱۳۸۸؛ ص ۱۲-۲) (محمدزاده تینکانلو، ۱۳۷۹؛ ص ۱۷)</p>	

با این تفاسیر می توان ادعا کرد که اگر این ایده ها با اصول اعتقادی قوی و بنیان فکری قوی و حمایت شده اگر بتواند پیاده گردد محیط شهری جذابی برای شهروندان طراحی و آماده خواهد گردید ولی

در غیر این صورت، شهر پست مدرن، شهری است عمدتاً خیالی و تصویری و با فرهنگ خود ساخته. این شهر مرکز مصرف و بکارگیری فرهنگ تک تک افراد و از طرف دیگر مصارف عمومی دیگر را در شهر ترغیب می کند و نمی تواند جدای از علایم فرهنگی و تصورات افراد بوجود آید (فینچر و جاکوینز، ۲۰۰۰: ص ۲۵۵). بنابراین محصول رویکرد پست مدرنیسم در شهرسازی و برنامه ریزی شهری هر چند با پاره ای ویژگی های منفی (شکل شماره ۵)، چون آشفتگی نظریه ای در آن در بحث های قاعده مندی مناسب طراحی و برنامه ریزی (آرونسن و دیگران، ۲۰۰۴: ص ۶)، ویژگی های کلی مثبتی (شکل شماره ۶) را وارد عرصه طراحی و برنامه ریزی شهری نیز نموده است که می تواند سرآغاز نوینی در روند پرداخت به شهر باشد (شفیعی، ۱۳۷۹: ۷۱)

جدول شماره ۵- نقاط ضعف شهرسازی پست مدرنیستی

فتدان پارادایم واحد نظریه ای جهت طراحی و شهرسازی در متن شهرها
اعتقاد به ((مقبولیت همه چیز)) شهرسازی را از حالت بومی و کیفی خود در بیشتر مواقع خارج و مرزی را برای جنبه های منفی موجود در نظر نمی گیرد
مجموعه ای از کاربری اراضی و سبک های ساختمانی نامتناسب و آشفتنه از هم که برای کیفیت محیط زیست مناسب نمی باشد
التقاط و آمیختگی نظریات، فرهنگها و سبک ها در طراحی بیشتر مواقع موجب از بین رفت شفافیت و وضوح و آشفتگی ذهنی و ادراکی در شهرها می شود
تنوع گرایی بیش از حد در طراحی و شهرسازی موجب از بین رفت وحدت مکانی، آنچه که در شهرهای سنتی وجود داشت نیز میگردد
شهر پست مدرن بیشتر شهر مصرفی است و شهر خیالی و تصویری که هر کس ایده خاصی را در هر قسمتی از شهر برای خود دارد بدون آنکه به نظام واحد و یکپارچه طراحی فکر گردد

منبع: (ترنر، ۱۳۸۴: ص ۲۰-۱۹) (مارتینز، ۲۰۰۷: ص ۱۱)



شکل شماره ۶- نمونه ای از ویژگی های مثبت طراحی و برنامه ریزی شهری در رویکرد پست مدرنیسم منبع (شفیعی، ۱۳۷۹: ص ۷۱)

عده‌ای معتقدند پست مدرنیسم بیشتر از مدرنیسم به عمر خواهد پرداخت و علت آن نیز در ذات ((بی قاعده)) و غیر معمول آنست (ترنر، ۱۳۸۴: ص ۲۰) اما امروزه صحبت از دوره ای جدید در شهرسازی بنام پست- پست مدرنیسم می باشد. این نشانه ها را در کسانی که به ((اعتقاداتشان)) اعتراف می کنند بیشتر می توان یافت. در حقیقت شهرسازی که در آن صحبت از مقطع جدیدی به نام پست- پست مدرنیسم می شود نشانه هایی از بازگشت به اعتماد به نفس دیده می شود. سنتها دوباره کشف می شوند، بجز منطقه بندی دوران مدرنیسم مثل منطقه بندی بخشهای قدیمی، برای مناطق مسکونی، صنعتی، تجاری، تفریحی، یک نوع منطقه بندی جمعی وجود دارد. منطقه بندی که بر اساس ایمان و دلسوزی در حال شکل گیری است. منطقه بندی مد نظر پست- پست مدرنیستها شباهت بیشتری به محیط زیست طبیعی دارد تا منطقه بندی بخشی. شهرسازی در بستر این جریان فکری در صدد ملایم سازی خرد بوسیله ی ایمان هستند. (همان: ص ۳۲-۲۲). معتقدان به این نوع جریان فکری حتی اثراتی را برای ترویج طراحی و فضا پردازی شهری با محوریت ایمان و عقاید تولید کرده اند که از جمله می توان به کریستوفر دی اشاره کرد که کتابی تحت عنوان ((فضاهای روح)) به تحریر در آورده است. شاید در این زمینه کریستوفر الکساندر را بعنوان یکی از معروفترین پست- پست مدرنیستها نام برد که کتاب ((زبان الگو)) او علاوه بر اینکه متکی بر خرد هست متکی بر ایمان عمیق نیز هست. بنابراین اشاره می شود که در جریان جدید پست- پست مدرن، شهر و منطقه های آن، بصری، تاریخی، فرهنگی و زیست محیطی هستند و اینکه بعد فضایی ایمان و اعتقاد را متجلی می سازند. (همان: ص ۲۲ و ۲۵) در حقیقت شهر پست- پست مدرن، شهری است آرمانی با هویت خداجویانه و باور جویانه که منطبق با طبیعت و نیازهای انسان است (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۰) در آخر به این جمله تام ترنر بسنده می کنیم که: عصر مدرنیسم که به ((یک راه، یک حقیقت، یک شهر)) معتقد بود مرده است، عصر پست مدرنیسم که معتقد به ((هرچیز قابل قبول است)) دیگر در حال خروج از صحنه است و امروزه باید عصری را پذیرفت که تحت عنوان پست- پست مدرنیسم در جریان است (ترنر، ۱۳۸۴: ص ۲۶)

نتیجه گیری

پست مدرنیسم فرزند ناخلف مدرنیسم و عصر روشنگری هست. بعد از اینکه مدرنیسم بدنبال رنسانس، رفرم و اومانیسم شکل گرفت با شعار عقلانیت، فرزاندگی انسان و روشنگری توانست از اوایل قرن بیستم جریان شهرسازی آن زمان را تحت تأثیر قرار دهد. این جنبش که همزمان با حرکت وسیع خانه سازی در اروپا و کمک به بازسازی های ناشی از خرابی های دو جنگ جهانی توانست با رهیافتهای خاص خود که در طی ۱۰ کنگره و بخصوص منشور آتن، بر عرصه طراحی و شهرسازی نزدیک نیم قرن حکومت کند. این رویکرد، انبوه سازی، استاندارد گرایی، منطقه بندی عملکردی و تبعیت هنر از تکنیک را در کنار اقتصادی بودن آن مد نظر قرار داده بود. در این رویکرد که جایی برای موقعیت، سنت، مکان و فرهنگ نبود، آسمانخراشها و برج های شیشه ای یکسان و مشابه و پاسخگویی به ماشین و سرعت به جای نیازهای روانی انسان و کمی گرایی بجای کیفیت فضاهای شهری در اولویت قرار گرفته بود. از دهه ۶۰ قرن بیستم اعتراضات به این گونه برنامه ریزی و طراحی شهری اوج گرفت، در نهایت با فروپاشی مجتمع مسکونی پوریت اینگو در ایالت سن میسوری آمریکا که به سبک مدرنیسم طراحی شده بود. مرحله جدید فکری در فرایند شهرسازی تحت عنوان پست مدرنیسم خود را در اندیشه های اندیشمندان معترض ظاهر ساخت. تمامی رویکردها و دعاوی پست مدرنیسم همگی در شهرسازی در حقیقت عکس العملی است بر آنچه که در شهرسازی مدرنیسم مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است. یعنی توجه به فرهنگ، کیفیت، مشارکت، تنوع، هنر مردمی، توجه به آثار باستانی، علوم اجتماعی وغیره. با این وجود حتی بعد از آزمایشات و مطرح شدن ایده های پست مدرنیسم در شهرسازی عده ای مثل تام ترنر صحبت از دوره ی جدیدی در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهری تحت عنوان پست- پست مدرنیسم می کنند دوره ای ثابت می کند اعتقادات و باورها به اعتقاد هگل ((زیبای از دست رفته)) شهرسازی است که باید در سرلوحه توجهات مربوط به طراحی و ساخت شهرها باشد. رویکرد نوینی که در آن شهر مجهز به هویت خداجویانه با ارج نهادن به انسان و طبیعت می باشد.

منابع

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۷)، معماری مدرنیته، انتشارات نشر مرکزی، چاپ اول، تهران
- ۲- انصاری، احمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر جامعه شناسی پسا مدرن، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره یازدهم، صص ۱۶-۳
- ۳- اوستروفسکی، واتیسلاف (۱۳۸۷) شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن، ترجمه لادن اعتضادی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران
- ۴- پایلی یزدی، محمد حسین، رجیبی سناجردی، حسین (۱۳۸۶)، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران
- ۵- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی، جلد اول، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران
- ۶- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۸)، سیر اندیشه ها در شهرسازی، جلد سوم، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران
- ۷- ترنر، تام (۱۳۸۴)، شهر همچون چشم انداز، نگرشی فراتر از نوگرایی (پست- پست مدرنیسم) در طراحی و برنامه ریزی شهری، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
- ۸- جابری مقدم، مرتضی (۱۳۸۴)، شهر و مدرنیته، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول، تهران
- ۹- جمالی، فیروز، حیدری چپانه، رحیم (۱۳۸۸) بحثی درباره شهرسازی پست مدرن، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره چهل و سوم، صص ۸۰-۱۰۹
- ۱۰- جنکس، چارل (۱۳۷۵)، پست مدرنیسم چیست، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات مرندیز، چاپ اول، گناباد
- ۱۱- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۴)، مدرنیته، دمکراسی و روشنفکران، انتشارات نشر مرکزی، چاپ اول، تهران
- ۱۲- شفیعی، حسن (۱۳۷۹)، پست مدرنیسم در شهرسازی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره اول، صص ۸۱-۶۹
- ۱۳- فرج پور، محمد (۱۳۸۰)، محیط زیست علمی در حوزه مدرنیته یا فراتر از آن، ماهنامه گیله وار، شماره نهم، صص ۳۱-۱۸
- ۱۴- کاظمی، علی (۱۳۷۷)، بحران جامعه مدرن، زوال فرهنگ و اخلاق در فرایند نوگرایی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- ۱۵- گوتدینر، مارک، باد، لسلی (۱۳۹۰) مفاهیم اساسی در مطالعات شهری، ترجمه عبدالرضا ادهمی، انتشارات بهمن برنا، چاپ اول، تهران
- ۱۶- لیوتار، ژان (۱۳۷۸)، تعریف پسا مدرن در مطالعات فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیر زاده، انتشارات موسسه فرهنگی آینده پویان، چاپ اول، تهران
- ۱۷- محمد پور، احمد (۱۳۷۸)، ژان فرانسوا لیوتار و پیدایش علوم اجتماعی پست مدرن، خاستگاه نظری و مبانی پارادایمیک، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سی و هشتم، صص ۸۲-۳۹
- ۱۸- مهدوی، شهرزاد (۱۳۷۶)، طراحی شهری تجربه جهانی سه دهه ی اخیر، مجله آبادی، شماره ۲۵، صص ۱۷-۴
- ۱۹- نوذری، حسین (۱۳۷۹)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، نظریات و کاربردها، انتشارات نقش جهان، اصفهان
- ۲۰- هابرماس، یورگن (۱۳۷۰)، معماری مدرن و پست مدرن، ترجمه ترانه یلدا، مجله آبادی، شماره سوم، صص ۸۰-۷۳

۲۱-هریسون، دیوید (۱۳۷۴)، جامعه شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه علیرضا کدی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، تهران

۲۲-یاراحمدی، مجید (۱۳۷۸)، بسوی شهرسازی انسانگرا، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران

۲۳-محمد زاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۷۹)، منشور آتن و ۲۰۰۰، دو نقطه عطف در اندیشه های شهرسازی قرن بیستم، فصلنامه مدیریت شهری، شماره اول، صص ۱۱-۲۲

- 1-Arentsen. M, Stam. L and Rick Thuijs (2004), postmodern approaches to space, smart link press. London
- 2-Berthon. P, Leyland. P and Richard. T. Watson(2000), Postmodernism and the Web: Meta Themes and Discourse, Journal of Technological Forecasting and Social Change, vol.65, p.265-279
- 3-Dear. M (1988), The postmodern challenge: reconstructing human geography, Transaction of the institute of British geographer, vol. 13, p.262-274
- 4-Dirlik . A (2002), whither history? Encounters with historicism, postmodernism, post colonialism, Journal of futures, vol. 34, p.75-90
- 5-Fincher. R, Jacobs. J (2000), Cities of difference, The Guilford press, New York.
- 6-Gundr. M, Hillier. J (2007), Problematizing responsibility in planning theory and practice: On seeing the middle of the string? Journal of Progress in Planning, vol.68, p.57-96
- 7- Harvey, D (1992) the Condition of Postmodernity. Blackwell, Oxford.
- 8-Marsh. CH (2008), Postmodernism, symmetry, and cash value: An Isocratic model for practitioners, Journal of Public Relations Review, vol.34, p.237-243
- 9-Martinez. S(2007), Postmodern Vs. modernism and city position, Journal of Technological Forecasting & Social Change, vol. 74,p.9-23
- 10-Short .R (1998), the human city, 2st end. Blackwell press. London
- 11-Simon. L (2001), Modernism result in city to first half twenty century, journal of Environmental Impact Assessment Review. Vol.23,p.45-61
- 12-Soja. E. (2001) Postmodern Geographies. The Reassertion of Space in Critical Social Theory ,Verso press, London
- 13-Thot. E (2002), Postmodernism for modernist public relations: the cash value and application of critical research in public relations, Journal of Public Relations Review, vol.28, p.243-250
- 14-Wryly. E (2006), City reflection. Norman press. Chicago
- 15-Allmendinger. Ph. (2002), Toward a post- positivist typology of planning theory, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi, vol.1,p.77-99